

تحریرات احمد حسن دانی

از آثار

شرف الدین ابراہیم بن محمد الدین دہلوی

مدرسہ

بہ سی

دکتر جواد نور بخش

بسمه تعالی و تقدس

پیشگفتار

شیخ روزبهان بقلی (قدس سره)

شیخ روزبهان کنیه‌اش ابومحمد فرزند ابونصر، اصل و تبار وی از دیالمه و به شیخ شطاح نیز معروف بود، به سال ۵۲۲ هجری در فسای شیراز متولد شد. شیخ با اینکه اطرافیان و بستگان وی در تباهی و گمراهی می‌زیستند، از کودکی داعیه و شوق طلب در وی ظاهر، و از همان اوان به سوی وحدت گرایش پیدا کرد. پدرش وی را به بازار فرستاد تا تحصیل روزی کند، اما دیری نپایید که کسب و کار را رها نمود و سر به بیابان نهاد.

مدت ۵ یا ۶ سال (۵۴۵ - ۵۵۱ هجری) در بیابان به سیر در آفاق پرداخت، تا سرانجام به کتاب تکوین معرفت پیدا کرد و عرفان یافت و آرام گرفت و در راه حق گام نهاد. نخستین مرشد وی در طریقت شیخ جمال‌الدین خلیل فسائی بود. پس از آن به خدمت شیخ جاگیر متوفی (۵۹۰ هجری قمری) که در نزدیکی سامراء می‌زیست راه یافت، و آنگاه به خدمت شیخ سراج‌الدین محمود بن خلیفه بن عبدالسلام بن احمد بن سالبه و شیخ ابوبکر بن عمر بن محمد معروف به برکر نیز رسید و از دست آنان خلعت ارشاد یافت.

علوم دینی، تفسیر و فقه و حدیث و علوم رسمی را خدمت فقیه ارشدالدین ابوالحسن علی بن محمد بن علی نیریزی و امام فخرالدین مریم و صدرالدین ابوطاهر

احمد بن محمد بن احمد بن ابراهيم سلفه اصفهانی سلفی پیاموخت.

جناب شیخ در ابتدای حال خویش به عراق و کرمان و حجاز و شام سفر کرد، و سپس به شیراز بازآمد و مدت پنجاه سال در جامع عتیق شیراز و جز آن به وعظ و ارشاد و هدایت مردم پرداخت.

جناب شیخ را تألیفات زیاد بود که اسامی تعدادی از آنها ضمن این کتاب آمده است. شیخ در نیمه محرم سال ۶۰۱ هجری قمری به شیراز درگذشت. قبرش در خیابان لطفعلی خان زند به نام «درب شیخ» زیارتگاه خاص و عام است. از آنجا که این کتاب در شرح حال و آثار شیخ نگاشته شده است، در اینجا به همین اکتفاء می‌نماید. خوانندگان عزیز در متن کتاب تفصیل آن را به ذوق خویش در خواهند یافت.

کتاب تحفة اهل العرفان را یکی از نبیرگان روزبهان به نام شیخ شرف‌الدین ابراهیم به خواهش جمعی از اکابر شیراز، نود و چهار سال پس از وفات شیخ در ذکر احوال و آثار وی نگاشته است.

شیخ شرف‌الدین ابراهیم

شیخ شرف‌الدین ابراهیم، فرزند شیخ صدرالدین روزبهان ثانی، فرزند شیخ نخرالدین احمد، فرزند شیخ روزبهان اول بوده است.

مؤلف شدالازار گوید: واعظ و عالمی فصیح زبان بود. در مواضع پدران خویش تذکیر داشت و اخبار می‌گفت، و او را رساله‌های ملیح و تراکیب فصیح است، از آن جمله: «الموهبة الربانية و المکرمة السبحانية».

هم اوست که سیرت شیخ روزبهان را نگاشته و آن را به عبارات رایق و اشارات

لایق زینت داده و در آن شواهدی از آیات و نظایری از حکایات آورده و به نام تحفة اهل العرفان فی ذکر الشیخ روزبهان نامیده و هر بابی از آن را به قصیده‌ای معروف به اسم شیخ ختم کرده.

شیخ شرف‌الدین ابراهیم در شعر شرف تخلص می‌نموده است.

تحفة اهل العرفان

این کتاب به نام تحفة اهل العرفان است. یک نوبت به کوشش محقق دانش پژوه آقای محمد تقی دانش‌پژوه تصحیح و توسط انجمن آثار ملی تحت شماره (۶۰) به چاپ رسیده است.

در زمستان سرد سال گذشته اخوی طریقت آقای عباس رشیدی آشتیانی نسخه‌ای خطی از این کتاب را به فقیر اهداء فرمود و مرا گرم نمود، پس از مقایسه این نسخه با نسخه چاپی مذکور تفاوت‌های فاحشی به نظر رسید و این بنده را ملزم کرد تا به تصحیح و چاپ نسخه جدید اقدام کند.

خصوصیات این نسخه

تاریخ کتاب

در صفحه اول کتاب این عبارت به چشم می‌خورد: «نوبت العبد المذنب خادم الفقراء والمساکین ... فی تاریخ عدة ربیع الاول سنه تسع و ثلاثی و سبعمائة».

از اینجا معلوم می‌شود کتاب مذکور به سال ۷۳۹ هجری در اختیار شخصی قرار گرفته که این عبارت را نگاشته است، از طرفی تاریخ تألیف کتاب مذکور همانطور که مؤلف ضمن کتاب یادآوری کرده نود و چهار سال پس از وفات شیخ روزبهان (۶۰۱ هجری قمری) بوده که مطابق با سال ۶۹۵ هجری قمری می‌شود.

با توجه به تاریخ تألیف کتاب، می‌توان به احتمال زیاد حدس زد که کتاب مزبور به خط مؤلف بوده باشد. بنابراین چنین به نظر می‌رسد نسخه موجوده قدیمی‌ترین نسخه‌ای است که فعلاً از کتاب «تحفة اهل العرفان» تا کنون به دست آمده است.

قطع و وضع کتاب

این کتاب به قطع ۱۶×۲۱ سانتیمتر و دارای ۲۶۲ صفحه با جلد چرمی قهوه‌ای است. گراور صفحات اول و دوم و آخر آن برای نمونه در پایان پیشگفتار چاپ شده است.

امتیازات این نسخه

در مقایسه این نسخه با نسخه چاپی که از این پس آن را نسخه الف می‌نامیم، نسخه حاضر این امتیازات را دارد.

الف - بسیاری از کلمات و عبارات در نسخه الف غلط درج شده است.

ب - متأسفانه از اول کتاب تا سطر ۸ صفحه ۴ در نسخه الف از قلم افتاده است.

ج - و همچنین از سطر ۵ صفحه ۵۳ تا سطر ۱۹ صفحه ۵۵ در نسخه الف به چشم نمی‌خورد.

د - تعداد تألیفات شیخ در نسخه حاضر بیش از تعداد تألیفات در نسخه الف است.

علاوه بر اینکه کتاب حقایق الاخبار را نسخه الف، المفاتیح فی شرح المصابیح و

کتاب الارشاد را نسخه الف، کتاب الرشاد نامیده است، اسامی کتب زیر از تألیفات شیخ از قلم افتاده است.

۱- شرح طواسین به عربی ۲- دیوان اشعار به عربی ۳- اربعین مجالس

۴- کتاب العرفان فی خلق الانسان ۵- کتاب مشرب الارواح ۶- غلطات السالکین

۷- هداية الطالبین ۸- مرصاد الاضداد ۹- سلوة القلوب ۱۰- ینابیع الحکم

۱۱- حقایق العقاید.

طرح کتاب

الف - برای چاپ کتاب این نسخه اصل قرار گرفته و هر کجا که در نسخه الف کلمات و عباراتی اضافه بود در داخل علامت [] آورده شده است.

ب - چون سبک نگارش مربوط به اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم بود، حروف و کلمات زیر برای سهولت مطالعه اخوان تغییر داده شد. هرچند برای دانشمندان گرامی سبک قدیم ناآشنا نیست ولی این تغییر را به کرم روا خواهند داشت، زیرا رعایت حال بعضی از اخوان طریقت که تصفح زیاد در این قبیل آثار ندارند و اهل قیل و قال نیستند بر ما فرض است.

کی	به	که	تبدیل شد
ابوالقسم	•	ابوالقاسم	•
چونک	•	چونکه	•
چنانک	•	چنانکه	•
چندانک	•	چندانکه	•
آنک	•	آنکه	•

ج - هر جا که حروف چ، د، ش، پ، گ، به صورت ج، ذ، س، ب، ک نوشته شده بود، به حروف رایج درآمد.

د - لغات و جملات و ادبیات فارسی و عربی عندالزوم در ذیل صفحه شرح داده شد. امید است که این خدمت ناچیز پسند خاطر طالبان و اخوان و صاحب نظران قرار گیرد.

دکتر جواد نوربخش

تهران - خرداد ماه ۱۳۴۹

کتاب اہل العرفان فی ذکر سید الاقطاب روضہاں قدس اللہ روحہ الغریز

تألیف مولیٰ المعظم شیخ شوخ الاسلام ومقتدی
الانام سلطان المذکر وقدرۃ المحققین شرف الملیف
والحق والدین شیخ الاسلام والمسلمین منہج الطوائف
المؤمنین ابرہم الرحیم الشیوخ صلا اللہ علیہ والذین
روضہاں قدس اللہ ارواحہم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله الذي روح قلوب اوليائه بنسيم افئفه
وحارت ارواح المحبتين في بحار عظمة قارسه تلاشت
الكاينات في عز قدسه وبقائه وعاشت الارواح
في شوق كشفه ولقائه قلوب المشائقين من حلاله و
جماله فانيه باقيه فجعل حزن طرقة لها جنة باقيه وحة
واقية لاهل ودلته تنهون في كل اول وقت تحت في فوارهم
الف واد جعل انقاسهم للسم العمارا والارض اونا دارا
الدنيا كالصدف ومنهم كاللذ المكنون بهم بمطرون
وبهم مرقون ومنهم منطون ثم السلام على نبي الرحمة
وامام الائمة المحلى نعم علاه على هام او هام كل غال
سالب المعالي بالبرسالة كعب لعاية عن نبي كعب نزلوى عال
محمد المصطفى هاله الطيب الطاهر من الدين مع حملة الدين

صلی اللہ علیہ

جو هیچ مایہ ندارم جز اپر کتاب شریف
 و سبیلتی برجہ نذر کوار منست
 شعر شیخ شرف ختم اپر کتاب کند
 نہ انک شاعری و شعرا از شعرا منست
 ولی شعر لطیف و حوی کتم تضمین
 نقیرہ انکرمیہا ہا و افتخار منست
 جلال روی و نور حسن لالہ زلمنست
 جمال عارض ز پیاں نوکار منست

مَزَالِ کِتَابِ بَعُورِ الْمَلِكِ الْوَهَّابِ

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
● مقدمه	۱۳
● باب اول: در ذکر مولد و منشاء شیخ قدس الله روحه العزیز	۲۷
● باب دوم: در ذکر اکابر و مشایخ که معاصر او بودند	۳۷
● باب سوم: در ذکر حکایات و کرامات که از او ظاهر شد	۵۷
● باب چهارم: در ذکر فواید او از تفسیر و حدیث و شطح	۸۵
● باب پنجم: در فواید متفرقه و اشعار او	۱۲۵
● باب ششم: در ذکر اولاد و شطری از فضایل شیخ الاسلام صدرالملة والدین، روزبهان ثانی قدس الله روحه	۱۵۱
● باب هفتم: در ذکر وفات و کراماتی که بعد از وفات او یافته اند	۱۵۹
● فهرست اسامی مردان و زنان	۱۶۹

اینگ هلال دلها آمد پدید ناگه هان ای هلال جویان ربی و ربک الله^(۱)

کتاب

تحفة اهل العرفان فی ذکر سیدالاقطاب روزبهان - قدس الله روحه العزیز - تألیف
مولی المعظم شیخ شیوخ الاسلام و مقتدای علماء الانام سلطان المذکرین و قدوة
المحققین شرف الملة والحق والدين شیخ الاسلام والمسلمین مربی الطوائف
المؤمنین ابراهیم بن الشیخ الشیوخ صدر الملة والدين روزبهان قدس الله ارواحهم.

۱- وارد است که در رویت هلال اول ماه خطاب به ماه گفته شود: ربی و ربک الله.

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

الحمد لله الذى روح قلوب اوليائه بنسيم انسه و حارت ارواح المحبين فى بحار عظمة قدسه، تلاشت الكائنات فى عز قدسه و بقائه، و عاشت الارواح فى شوق كشفه و لقائه. قلوب المشتاقين بين جلاله و جماله فانية باقية.

فجعل من فطرته لها جنة باقيه و جنة واقيه. اهل وداده يتيهون فى كل واد و فتحت فى فوادهم الف واد. جعل انفاسهم للسماء عمادا وللارض اوتادا.

الدنيا كالصدف و هم كالدرالمكتون بهم يمطرون و بهم يرزقون و بهم ينظرون. ثم السلام على نبى الرحمة و امام الائمة، المجلى نعمت علائه على هام اوهام كل غالب سالب المعلى بالرسالة كمب لوايه من بنى كمب بن لوى بن غالب محمد المصطفى، صلى الله عليه و اله الطيبين الطاهرين، الذين هم حملة الدين و هداة للمسلمين و سلم تسليما كثيرا دايمًا.

اما بعد - بر ارباب عقل و اصحاب نقل پوشيده نمائند كه: صانع قديم و پادشاه حكيم منور ارواح و مصور اشباح، قادري كه عرش عظيم از تاب آفتاب قدرتش ذره‌ای است، وجود كل از بحر جود او قطره‌ای است، بر عالم خلق و امر قدرت او مستولى است، و بر وجود و عدم فرمان حضرت او مستعلى است. سرچشمه حقایق از اوصاف جلالش تیره، دیده ارباب دقایق از ادراك جمالش خیره. سرگشتگان بادیة حیرت فکرت را به عرفات معرفت او رسانند. برگشتگان ظلمت ضلالت را باز نور هدایت او نشانند. تعالی جده و توالا رفته^(۱)

۱- رقد: بالكسر بخشش (منتخب اللغات).

چون از سر لطف وجود انسان را از مکمن عدم در حیز وجود آورد و از بن پرده غیب ایشان را باز مشهد شهود آورد، به انواع کرم و اصناف نعم، وجودشان متحلی گردانید، ودایع بدایع انوار لطف ازلی و جواهر زواهر اسرار لم یزلی در خزینه سینه بی کینه ایشان تعبیه فرمود، معزز به خطاب ربانی و مکرم به کتاب سبحانی گشتند. لاجرم ثمره شجره مکنونات و صفاوه نقاوه مبدعات آمدند.

مظهر انواع الهی و مظهر اسرار نامتناهی شدند. منافع اشیاء از علویات و سفلیات بدیشان راجع: *وسخر لکم ما فی السموات وما فی الارض جمیعا* (۱۳/۴۵). و اگرچه از قوافل کاینات و عساکر موجودات آخر همه در میادین وجود، نزول شهود خوردند، اما در حقیقت از اول رایت سعادتشان در عالم عنایت به سر ولایت برافراختند، و کار ایشان بی ایشان ساختند که: *انی جاعل فی الارض خلیفة (۳۰/۲)*.

گوش زمین و زمان طنان^(۱) از خطاب: *انی خالق بشر من طین* (۷۱/۳۸)، دیده فلک و ملک حیران از سر قدرت، جلّ جلاله و اعظم شأنه: *فتبارک الله احسن الخالقین* (۱۴/۲۳). سبحان من جمع بین اقرب الاقربین و ابعد الابعدين:

چو شور مهر او از ما برآمد	فغان از عالم بالا برآمد
جهانی بود بی آشوب و غوغا	چو انسان آمد این غوغا برآمد
خلایق منتظر بودند ناگاه	که این دولت به نام ما برآمد

اگرچه قبیله آدم که چشم و چراغ اهل عالمند، بدین خلع و کرامت معزز و مشرفاند، اما حکمت حکیم و تقدیر و ارادت قدیم اقتضا چنان فرمود که طایفه ای را در روشنایی و آشنایی بداشت و جمعی را در ظلمت ضلالت و بیگانگی جهالت: *خلق الخلق فی ظلمة*، باز گذاشت:

قبل من قبل لا لعله و رد من رد لا لزلة
سعد السعيد و ليس ذاك لعله و كذى الشقى بغير جرم اجرما
بل كان ذلك عن مشية قادر اجرى الامور كما اراد و ابرما^(۱)

بلى، قومی که سابقه ازلی نام ایشان در جریده سعدا ثبت فرموده، ایشان را در ضلالت و ظلمت شهوات رها نکرد، به سببی از اسباب و به واسطه‌ای از وسایط خواست تا ایشان را از غفلت به حضور و از ظلمت به نور آورد. اعظم اسباب و اشرف وسایط وجود با جود انبیاء بزرگوار و رسل نامدار آمد، علیهم السلام.

تا در هر وقتی و زمانی و قرنی و اوانی از اطوار و ادوار روزگار گذشته، در هر طرفی از اطراف جهان، و در هر کنفی از اکناف عالم، چون جمعی از سر خامی و ناتمامی سر طغیان به گریبان کفران برمی آوردند، هم از میان ایشان یکی را به عنایت ربانی و کلایت^(۲) سبحانی مخصوص می گردانید و بدیشان مبعوث می فرمود و کذاک: لبعثنا فی کل قریة نذیرا (۵۱/۲۵) جایی دیگر: و ما ارسلنا من رسول الا بلسان قومه (۴/۱۴). سبحان من اختار من البرية اخيارا و جعلهم سفراء و آتاهم اسفارا، فبسطوا فی البسیطة دینه الحق و هدوا (محجة)^(۳) الی المحجة^(۴) الخلق، فاستقام بهدیم الدین و الدنیا و علت بدعویهم الكلمة العلیا و انقطع بهم شراک الشرک و انتظم بهم الاسلام، علیهم السلام.

چون اطوار و ادوار ایشان منقضی گشت و عمر عزیزشان بسر آمد، نوبت دولت نبوت و طور ظهور و دعوت سید رسل و هادی سبل محمد رسول الله - علیه افضل الصلوات و اکمل التحیات - در رسید، آنچه مناقب و مآثر و مفاخر رسل بود وجود مبارکش را بدان متحلی

۱- پذیرفته است هرکه را پذیرفته است بدون علتی و رد کرده است آن را که رد کرده است بدون خطایی. بدون علتی سعید سعید شد و نیز بدبخت بدون جرمی بدبخت شد. بلکه این عمل به خواست خدای توانا است که امور را طبق اراده خود انجام و ابرام می فرماید. ۲- بر وزن و معنی حراست (منتخب اللغات). ۳- ظ: اضافه به نظر می رسد. ۴- شامراه

گردانیدند: از صفوت آدم و خلت خلیل و مکالمت موسی و فهم سلیمان و طهارت زکریا و عصمت یحیی و یمن و برکت عیسی علیهم السلام:

هو زبدة الدنيا و صفوة اهلها هو غرة العالمون جبین

چون مکارم اخلاق و محاسن افعال به وجود مبارکش به کمال رسید که: بعثت لاتمم مکارم الاخلاق و محاسن الافعال. چون کار دین بدو تمام شد، او را خاتم النبیین نام شد. بعد از او هیچ پیغمبر نخواهد بود. از سر رحمت: و ما ارسلناک الا رحمة للعالمین (۱۰۷/۲۱) امت خود را که بهترین امم اند ضایع نگذاشت که: کتتم خیر امة. و به چند تشریف شریف ایشان را مشرف گردانید. و شریف تر عطیتی و عزیز تر موهبتی آن بود که امت خود را به حق سپرد: الله خلیفتی علیکم. دیگر انعام عام و اکرام تام حدیث: انی تارک فیکم الثقلین: کتاب الله و عترتی. و معلوم که مفسر و مبین حلال و حرام علماء اعلام اند. سوم اشارت و عبارت در شأن قومی که به فتوای نبوی و لفظ شریف مصطفوی نظام عالم و استقامت امور بنی آدم به وجود ایشان منوط و مربوط است. قال علیه السلام: ان لله عبادا هم اوتاد الارض و ابدال الانبیاء بهم یمطرون و بهم یرزقون و بهم ینصرون^(۱) صدق رسول الله.

سبحان من خصص الانبیاء بالمعجزات الظاهرة والاولیاء بالکرامات الباهرة.

انفاس مبارک اولیاست که حامی حومه جهان است، و وجود شریف اصفیاست که مدار و قرار زمین و زمان است، و تا منقرض عالم عرصه جهان از وجود ایشان خالی نخواهد بود، و اگرچه دیده هر دیده‌وری و چشم هر صاحب بصری ادراک ایشان نکند که حق - جل و علا و تبارک و تعالی - ایشان را در سایه قباب الطاف خود می‌دارد که: اولیائی تحت قبابی لایعرفهم

۱- همانا خدا را بندگانی است که آنان میخ‌های زمین و برجستگان پیامبرانند به سبب آنها (خلق) از بارش رحمت بهره‌مند و روزی و یاری حق شامل حالشان می‌گردد. (با مراجعه به صفحه ۱۳ سطر ۶ شاید بجای: بهم ینصرون، صحیح آن: بهم ینظرون باشد).

غیری^(۱) و در کتب سالفه منقول است و مسطور که اولیا به عدد انبیا باشند. از میان ایشان چهار هزار مخصوص به عنایت ربانی، و از میان ایشان چهار صد مخصوص به کلایت سبحانی، و از میان ایشان چهل تن مخصوص به لطف ازلی، و از میان ایشان هفت مخصوص به انوار اسرار لم یزلی که ایشان را "هفت تنان" خوانند. و از آن هفت تن سه مخصوص اند. و از آن سه تن یکی هست که او را قطب خوانند، و به عبارتی دیگر او را غوث گویند. ما زالت برکتهم و برکت دعائهم عنا و عن سایر المسلمین. و این شعر در وصف ایشان است:

سقى الله اقواما خلو بحبيهم	و فازوا برضوان و عیش مخلص
رجال نسوا دنياهم و تزودوا	تقوا و تقوى الله خير التزود
رجال سروا نحو العلى بهمومهم	و اجسامهم فى الارض يمسى و يفتد
رجال فنواعنهم و ابقوا و احضروا	مشاهد قدس الواحد المتوحد ^(۲)

و جدّ اعلاى این ضعیف سید الاقطاب روزبهان - روح الله روحه - و والی من القرب فتوحه، در کتاب منطق الاسرار. که به شرح طواسین معروف است، و از مصنفات مبارک اوست، این معنی را بدین عبارت لطیف آورده است که: سلام باد بر مشایخ بزرگوار، غواصان بحار بقا و سراندازان میادین فنا - قدس الله ارواحهم - و اجلس على بساط الانس اشباحهم، دیگر سلام باد بر دوازده هزار ولی پوشیده که در اطراف هندوستان و ترکستان و زنگستان و

۱- دوستان من در پناهگاه‌های منته که جز من کسی آنها را نشناسد.

۲- شاداب باد گروهی که خود را برای دوست از هر چیز دیگر تهی ساخته‌اند و رستگار شدند به خشنودی محبوب و زندگی جاوید. مردانی که دنیای خود را فراموش کردند و پرهیزگاری را توشه خود قرار دادند و تقوای خدا بهترین توشه است. مردانی که پاکوشش خود به سوی بزرگوارى شب و روز سیر می‌نمایند در حالیکه پیکرهای آنها بر زمین صبح و شام بسر می‌برد. مردانی که از خود فانی شدند و وارستند و (از طرف حق) لباس بقا پوشیدند و به سراپرده پاکی خدای یگانه بار یافتند.

حبشستان گردند، و بر چهار هزار باد از خواص که در روم و خراسان و زمین ایران گردند، و بر چهار صد باد که سکان شط بحارند، و بر سیصد باد که بر سواحل مغرب و مصر زاویه دارند، و بر هفتاد باد که در یمن و طایف و مکه و حجاز و بطایح ساکن اند، و بر چهل گانه باد که در عراق و شام باشند، و بر ده گانه باد که در مکه و مدینه و بیت المقدس باشند، دیگر بر هفت گانه باد که در همه جهان سیاح و طیارند، و بر سه گانه باد که یکی از فارس بود و یکی از روم و یکی از عرب، و بر غوث باد که او را قطب خوانند، سلام الله علیه و علیهم اجمعین. به اشارت مبارکش که فرمود: در امصار جهان و اقطار عالم این طایفه بودند و تا منقرض عالم خواهند بود. والله اعلم.

ذکر بعضی از مشاهیر مشایخ اطراف - قدس الله ارواحهم - یاد کرده می شود تا طایفه عوام و زمره خواص را فایده بود.

از مشایخ حجاز یکی ابو عبدالله عمرو بن عثمان المکی - قدس الله روحه - بود. و از اهل علم بود، و از ائمه مشایخ صاحب مقام و کلام بود، با جنید و شبلی و ابوالحسین نوری معاصر بود، و در سنه احدی و ثمانین [او ماتین] به جوار حق رسید در بغداد.

دیگر سراج الحرم و مقبول اهل محمد بن علی بن ابی بکر الکتانی بود - رحمه الله علیه - که مشایخ او را تلمیذ رسول الله خواندندی، از کثرت مکاشفت و رؤیت رسول - علیه الصلوة والسلام - و مشکلی که او را بودی در طریق الله از حضرت رسالت پرسیدی. صحبت جنید و ابوالحسین نوری یافته، و در سنه اثنین و عشرين و ثلثمائة فرمان یافت به مکه.

و شیخ ابویعقوب نهرجوری بود - رحمه الله علیه - از اقران جنید و عمرو بن عثمان مکی بود و ابویعقوب سوسی، و در سنه ثلثین و ثلثمائة فرمان یافت به مکه.

و شیخ ابوالقاسم مدنی - رحمه الله علیه - از مدینه رسول - علیه الصلوة والسلام - بود. و از اقران سهل بن عبدالله بود و در طبقات مشایخ مذکور. و از او منقول است که به زیارت سهل

آمدی به تستر، و به وقت نماز، نماز باز مسجد رسول بردی، و در سنه ثلث و ثمانین و مأتین وفات یافت.

و شیخ ابوالحسن علی بن محمد المزین بود، و صحبت جنید و شبلی و سهل بن عبدالله یافته. اصل او از بغداد بود و با شیخ ابوبکر الکتانی مجاورت حرم نمود، و در سنه ثمان و عشرين و ثلثمائة فرمان یافت به مکه.

و شیخ ابوسعید احمد بن محمد اعرابی بود. و از جمله مشایخ حرم بود. صحبت عمرو بن عثمان مکی و جنید و اقران او یافته، و در سنه احدى و اربعین و ثلثمائة به جوار حق رسید در مکه، روح الله ارواحهم و والی من القرب فتوحهم.

ذکر مشایخ شام (قدس الله ارواحهم)

از مشاهیر مشایخ شام یکی ابوسلیمان دارانی بود - رحمه الله علیه - نامش عبدالرحمن بن عطیه و معروف و مشهور به ابوسلیمان.

و دارانه قریه ای است از قرای شام، و از ائمه مشایخ بوده.

و احمد حواری که از کبار مشایخ بود، از جمله مریدان اوست، و در سنه خمس عشر و مأتین به جوار حق رسید.

و شیخ ابو عبدالله رودباری بود - رحمه الله علیه - نامش احمد بن عطاء، شیخ شام در وقت خود بود. و در سنه تسع و ستین و ثلثمائة از دنیا مفارقت فرمود به موضعی که آن را صور گویند.

و از کبار مشایخ شام ابوالحسن احمد بن ابی الحواری بود - رحمه الله علیه. از اقران جنید و ابوبکر شبلی و از مریدان ابوسلیمان دارانی بود. و شیخ جنید - قدس الله روحه - در شأن او فرمود: «احمد بن ابی الحواری ریحان الشام» و در سنه ثلثین و مأتین به عالم بقا رفت.

و شیخ ابوعلی احمد بن عاصم الانطاکی -رحمة الله علیه- از اقران سری سقطی و بشر و حارث محاسبی بود، و سلیمان دارانی او را جاسوس القلوب خواندی از بازی فراست او. و در سنه تسع و تسعین و ماتین وفات فرمود.

و شیخ ابواسحق ابراهیم بن داود رقی، و رقه دهی است از شام، و از کبار مشایخ شام بود، و از اقران ابو عبدالله بن الجلا و جنید -رحمة الله علیهم اجمعین- بود و عمری تمام در طریق الله بسر برده، و در سنه ست و عشرين و ثلثمائة فرمان یافت.

و شیخ ابو عمر دمشقی یگانه زمان بود، و از بزرگان مشایخ شام بود، صاحب کرامات و در سنه عشرين و ثلثمائة به جوار حق رسید.

و هم از کبار مشایخ شام ابوشعیب المقنع^(۱) پیشوای این طایفه بود، هفتاد حج پیاده کرده، و در سنه اثنین و ثمانین و ماتین به دار بقا رحلت فرمود، قدس الله ارواحهم.

ذکر مشایخ خراسان (قدس الله ارواحهم)

از کبار مشایخ خراسان شیخ ابویزید بسطامی بود -رحمة الله علیه، که او را سلطان بایزید خوانند، نامش طیفور بن عیسی، کرامات او معروف و مشهور و کلمات او در کتب مشایخ مذکور و مسطور. معاصران او از جمله ایشان یکی احمد بن خضرویه بود -رحمة الله علیه، که با هزار مرید روی به خدمت او نهاد، و کلماتی که میان ایشان رفته بود در سیرت نامه سلطان بایزید - قدس الله روحه - مذکور است. و وفات مبارکش در سنه احدى و ستین و ماتین در بسطام بوده.

و شیخ ابوالقاسم ابراهیم بن محمد نصرآبادی -رحمة الله علیه- از کبار مشایخ خراسان